



تذکران همانند مصاحبه‌ای که درباره NPT انجام دادید، خلاف واقع است

مهدی کوچک‌زاده، نماینده مجلس در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، در جریان تذکر آیین‌نامه‌ای خطاب به قالیباف گفت: «مجلس قانون دارد و باید براساس آیین‌نامه پیش برود. این آیین‌نامه ناموس مجلس است، لطفاً رعایت کنید.» کوچک‌زاده در ادامه با استناد به ماده ۵۱ آیین‌نامه داخلی مجلس گفت: «طبق بند ۲ تبصره اول ماده ۵۱، یکی از وظایف کمیسیون برنامه و بودجه، رسیدگی به عملکرد بودجه سالیانه مجلس و ارائه گزارش آن حداکثر تا پایان شهریور سال بعد است. این گزارش باید جهت اطلاع نمایندگان چاپ و توزیع شود. حداقل ما نمایندگان باید بدانیم بودجه چند هزار میلیاردی مجلس چگونه هزینه شده است. اما متأسفانه سال‌هاست از این وظیفه مهم غفلت شده و گزارشی ارائه نمی‌شود.» وی در ادامه گفت: «آقای قالیباف! یکی از وعده‌هایی که شما دادید و هرگز عملی نشد را هم می‌خواهم یادآوری کنم؛ عده‌ای از نمایندگان مجلس خواستار این بودند که موضوع خروج از NPT مطرح شود، ۹ نفر از نمایندگان در سامانه ثبت‌نام کرده بودند، اما امروز گفته می‌شود ۱۵ نفر ثبت‌نام کرده‌اند. مردم بدانید ما آن روز در شرایط حساسی بودیم. خواهش می‌کنم آقایان سرور صدا نکنند؛ این موضوع در دستور کار نیست، اما لازم است درباره‌اش شفاف‌سازی شود.» محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس در پاسخ به این تذکر، گفت: «تذکرتان وارد نیست و از ابتدا خارج از موضوع دستور صحبت کردید؛ همانند آن مصاحبه‌ای که درباره NPT در جلسه غیرعلنی انجام دادید که خلاف واقع بود.» همچنین رئیس مجلس در پاسخ به بخش دیگری از تذکر کوچک‌زاده، گفت: «آقای کوچک‌زاده گفت بودجه چند هزار میلیاردی مجلس که باید بگویم اصلاً بودجه مجلس چند هزار میلیارد نیست.»



دیپلماسی سترون

احمد پورنجاتی، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس ششم، در یادداشتی تلگرامی نوشت: «دیپلماسی «سترون» - یا اخته - یعنی اینکه به دلیل پای‌بست‌های خیالی‌افانه (رمانتیک) نظری و ناب‌خورداری از تدبیر شجاعانه عملی از قافله رخدادهای مهمی که سالیان دراز برای آنها کلی (البته از کیسه ی ملت) هزینه کرده‌ای جا بمانی و در بزنگاه، بهره‌اش را دیگران ببرند.» در ادامه این یادداشت آمده است: «اینک داستان غزه و تحولات فلسطین، مجالی مهم برای انتخاب یک راهبرد خردمندانه و معطوف به منافع ملی ایران، به یک شرط؛ اینکه از موضع کاسه داغ‌تر از آش و دایه لندسوتر از مادر پیرهیزیم. آیا هیچگاه به این پرسش اندیشیده‌اید که چرا همواره ایران در چالش‌های منطقه به‌هنگام طرح مسئله به‌عنوان بخشی از «مسئله» چوب خورده و نمدمال شده و به‌هنگام طرح راه‌حل به‌کلی از گردونه به‌کنار نهاده شده و به‌رغم هزینه‌هایی که کرده، به حساب نیامده؟» در بخش دیگر این یادداشت نیز آمده است: «همه‌اش را که نمی‌توان به پای قاتلانی دیگران گذاشت. باید دید که چرا توانایی بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی خود را نداشته‌ایم؟ به‌گمانم به‌همان دو عامل نظری و عملی که در آغاز این نوشته اشاره رفت، بر می‌گردد. دگم‌های نظری و دست‌های خالی از اقدام مبتکرانه و البته دلیرانه، سیاست، پهنه بهره‌گیری از کوچک‌ترین روزنه‌ها و فرصت‌ها برای اثرگذاری بر روندهای موجود و ایجاد فرصت‌های تازه در راستای هدف‌های معطوف به منافع ملی است. خواه ببیزیرید یا نه، با این دیپلماسی سترون، قافله‌تان تا به حشر، لنگ است!«

جریان شناسی

مناظره شکاف‌ساز

بررسی واکنش‌های درونی اصولگرایان بر سررویا روی حسن روحانی و سعید جلیلی



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاست

در روزهایی که ایران، وضعیت مبهم‌تر از گذشته را دنبال می‌کند و مکانیسم ماشه فعال شده است؛ بحثی دیگر در جامعه سیاسی راه افتاده است. بحثی که سعید جلیلی آن را به میان کشیده و در

روزهایی که قرار است دست‌یخت دوران حضورش در تیم مذاکرات هسته‌ای، یکبار دیگر پای سفره مردم بیاید؛ او زخم کهنه‌ای را باز کرده تبدیل به یکی از سوژه‌های سیاسی شده است؛ موضوعی که با واکنش رسانه‌های اصول‌گرا هم روبه‌رو شده و کار را به جایی رسانده که حتی روزنامه جوان که از جمله رسانه‌های مدافع سعید جلیلی بوده است، به او تاخته و او را نقد کرد. برای بررسی داستان، می‌توان ماجرا را طی تقریباً یک سال و دو ماه اخیر در چهار سکانس مورد بررسی قرار داد.

سکانس اول - اتهام به دولت روحانی

تابستان ۱۴۰۳ است، کشور به‌دنبال سقوط بالگرد حامل سیدابراهیم رئیسی، وارد فضای انتخاباتی زودهنگام شده است. مناظره‌های زنده در صداوسیما شروع می‌شود و در دوتل سعید جلیلی و مسعود پزشکیان؛ نام یک غایب به‌میان می‌آید جلیلی همان کاری را انجام می‌دهد که سال‌ها قبل محمود احمدی‌نژاد انجام داده بود. اگر در سال ۸۸، احمدی‌نژاد نام هاشمی‌فسنجانی و ناطق‌نوری را به‌میان آورد؛ جلیلی در ۱۴۰۳ نام حسن روحانی و دولت او و افرادی از کابینه را به‌میان می‌آورد و بارها نکته‌هایی را درباره دولت روحانی می‌گوید. در نتیجه، حسن روحانی به صداوسیما نامه می‌دهد و در خواست وقت برای پاسخگویی می‌کند؛ اما درهای صداوسیما باز هم بر همان پاشنه‌ی گذشته می‌چرخد. سال ۸۸ به هاشمی‌فسنجانی وقت پاسخگویی به اتهامات احمدی‌نژاد را ندادند و ۱۴۰۳ این کار را برای حسن روحانی تکرار کردند.

سکانس دوم - بیا مناظره کنیم

در همان روزها، بیژن نامدارزنگنه که در موضوع کرسنت، مطالبی توسط سعید جلیلی درباره او بیان شده بود؛ ویدئویی را منتشر و در آن جلیلی را دعوت به مناظره می‌کند. چند روز پس از آن، حسن روحانی هم ویدئویی را منتشر می‌کند و می‌گوید: «شما که ۷۰۰ میلیارد دلار به کشور صدمه زدید. شما که در این سه سال ۳۰۰ میلیارد دیگر به کشور لطمه زدید. اگر می‌خواهی راجع به دولت روحانی و تدبیر و امید صحبت کنی، اگر شهادتش را داری یا خود من مناظره کن.» پاسخ جلیلی چیست؟ درباره مناظره با زنگنه طفره می‌رود و ابتدا می‌گوید: «جای متهم در دادگاه است نه در مناظره. من معتقدم که اگر ابعاد پرونده کرسنت برای مردم عزیز روشن شود متهمان پرونده باید به دنبال سوراخ موش بگردند، آن هم از ترس مردم نه از دادگاه و احکام اینها.» پس از آن هم بر این تأکید می‌کند: «برخی از مباحث فرصت‌بیساری می‌خواهد و در یکی دوساعت جمع نمی‌شود.» و درباره حسن روحانی هم چیزی نمی‌گوید.

سکانس سوم - مناظره می‌کنم

بیش از یک سال از انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته است. جنگ ایران و اسرائیل فعلاً متوقف شده و ادامه یا آتش‌بس قطعی درباره آن فعلاً مبهم است. سلسله‌اتفاقات و تحولاتی منجر به این می‌شود که مکانیسم ماشه فعال شده و تحریم‌هایی که در دوره سعید جلیلی درباره ایران اعمال شده بود، برگردد. در همان روزها، سعید جلیلی در دانشگاه شیراز سخنرانی می‌کند و وقتی به موضوع مناظره با حسن روحانی بر خور می‌کند، این بار این پیشینه‌اد را پس از یک سال قبول می‌کند و می‌گوید: «چرا وقتی دوستان کار دستشان بود نمی‌گفتند برویم جواب بدهیم؟ البته من الان هم آمادگی دارم. این حرف‌ها روشن است، آقای روحانی باید با یک بچه دبستانی مناظره کند و محکوم شود.»

سکانس چهارم - نگاه اصول‌گرایان

پس از بیان این جمله توسط سعید جلیلی، واکنش اصول‌گرایان و رسانه‌هایشان به ماجرا شروع می‌شود. واکنش‌هایی که در دو دسته قرار می‌گیرند:

۱

مخالفان مناظره: اکثریت اصول‌گرایان را می‌توان مخالفان مناظره دانست که در مخالفت خود دلایل مختلفی از جمله «نیاز کشور به آرامش» و «انسجام ملی» را مطرح می‌کنند. برای مثال، روزنامه جوان می‌نویسد: «هیچ‌کس منتظر مناظره شما نیست، از تملق اطرافیان‌تان هوا و جو نگیرید. از هیاهوی چند هرزنویس تأثیرتری هم حس نگیرید. مردم اینها نیستند. وقتی رهبری با قاطعیت در سخنرانی تلویزیونی چند روز پیش می‌گویند «این اتحاد ملی، این یکپارچگی مردم همچنان وجود دارد و وجود خواهد داشت؛ البته همه هم در مقابل آن مسئول هستیم»، مسئولیت شما چیست که دقیقاً عزم به‌برهم‌زدن این اتحاد ملی گرفته‌اید؟! و یا روزنامه صبح، روزنامه نزدیک به رئیس مجلس که اینگونه می‌آورد: «امروز وقت آن است که سیاست خارجی را از سیاست داخلی جدا کنیم و اجازه ندهیم سیاست خارجی از دایره منافع

اسماعیل گرامی مقدم قائم مقام حزب اعتماد ملی:

می‌خواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند

اسماعیل گرامی مقدم، قائم مقام حزب اعتماد ملی در گفت‌وگو با خبرنگار هم‌میهن، معتقد است که تیم سعید جلیلی و مجموعه تندروها به دنبال این هستند که از وضعیت کشور سوءاستفاده کرده و از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. او می‌گوید قوه عاقله نظام اجازه برگزاری مناظره بین حسن روحانی و سعید جلیلی را نخواهد داد و نمی‌گذارد انسجام کشور با درخواست تندروها برهم بخورد.

پس از قطعی شدن اسنپ‌بک، یکی از بحث‌هایی که در فضای سیاسی داخل کشور ایجاد شده؛ پیرامون اظهارات سعید جلیلی درباره برجام و پیش‌آمدن بحث مناظره او با حسن روحانی است. تحلیل‌تان از فضای ایجادشده چیست؟

در زبان فارسی ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید «چیزی که عیان است، چه حاجت به بیان است». تاریخ را که نمی‌توان نادیده گرفت. هنوز ۱۵ سال از آن روزها نمی‌گذرد. در دوره‌ای که آقای جلیلی رئیس هیئت‌مذاکره‌کننده و آقای احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور بود، هر دو مشترکاً پرونده هسته‌ای ایران را پیش می‌بردند که در همان دوره، شش قطعنامه در همین دوره صادر شد. در هر کدام از این قطعنامه‌هایی که صادر شد، جریان اصلاح‌طلب چه از طیف آقای خامنه‌ی و چه از طیف آقای هاشمی‌فسنجانی و روحانی و حتی طیف‌های میانه‌رو اصول‌گرا مانند آقای ولایتی همه منتقد سیاست‌های آقای جلیلی بودند. روشن است که قطعنامه‌هایی که صادر

شد، دسته‌گل آقای جلیلی بوده است و آن قطعنامه‌ها بود که منجر به این شد که برجام امضا شود. کشور تاوان ندانم‌کاری‌ها، در نظر نگرفتن منافع ملی و صرفاً شعاری حرکت کردن و بر خودرهای تند آنها در مجامع بین‌المللی را داد و می‌بینیم که چقدر آن تصمیمات به ضرر کشور شد. حالا آقای جلیلی به‌دنبال مناظره است، ابتدا درباره پرونده کرسنت باید توضیح دهد و بعد سراغ پرونده هسته‌ای برود.

به نظر‌تان نیاز است که چنین مناظره‌ای برگزار شود؟

چه مناظره‌ای؟ وقتی همه می‌دانند و تاریخ نوشته که نگاه آنها در آن مقطع چه بود و آقای احمدی‌نژاد، قطعنامه‌ها را کاغذپاره می‌خواند، چه جای مناظره‌ای باقی است؟ بحث مناظره هم باشد اصلاً نیازی نیست آقای روحانی برود. افراد زیادی هستند که می‌توانند روبه‌روی ایشان بنشینند. البته به نظر من ایشان دنبال فرافاکنی درباره تحریم‌هایی است که باعث و بانی این تحریم‌ها خودشان بوده‌اند. کشور به وحدت و انسجام نیاز دارد. ما علاوه بر تحریم‌های اقتصادی، دچار تهدیدهای نظامی هستیم. در چنین شرایطی، آقایان بدون اینکه به منافع ملی فکر کنند،



می‌خواهند جو را به نفع خودشان پیش ببرند. آقای جلیلی، در این روزها به‌دنبال این است که تمام کاسه و کوزه برهم خوردن برجام و اسنپ‌بک را بر سر دیگران بشکند. به قول مولانا «آن یکی پرسید اشترا که هی / از کجا می‌آیی ای اقبال پی - گفت از محام گرم کوی تو / گفت خود پیداست در زانوی تو» حالا در شرایطی که کشور نیاز دارد که ما به گذشته نپردازیم، چنین بحث‌هایی را مطرح می‌کنند و دنبال برهم‌زدن جو هستند. در حالی که در این ۴ الی ۵ ماه اخیر، دیدیم که جریان اصلاحات و میانه‌رو تمام تلاش خود را انجام داد، وارد این فضا نشوند. اگر جایی عادلانه این موضوع را بررسی کند که چه افرادی باعث صدور قطعنامه‌ها شدند، افرادی باید محاکمه شوند که گفتند «انقدر قطعنامه بدهید تا قطعنامه‌دان‌تان پاره شود».

آقای جلیلی و آقای احمدی‌نژاد، باید پاسخگوی از بین رفتن منافع ملی باشند. **در بخش اول صحبت‌هایتان به ماجرای کرسنت اشاره کردید. یادمان است که همین سال گذشته و در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری، اتهامات پیرامون این موضوع از سوی سعید جلیلی تکرار شد و بیژن نامدارزنگنه او را دعوت به مناظره کرد اما به هر ترتیب مناظره‌ای صورت نگرفت. چرا آن موضوع از سوی جلیلی قبول نشد و الان دعوت به مناظره می‌کند؟**

روشن است که این قطعنامه‌ها و تحریم‌ها، به بخش‌هایی سود می‌رساند و در دور زدن تحریم‌ها، کاسبی خوبی دارند. در این داستان کرسنت هم دیدیم که به‌رغم همه چیزهایی که جریان تندرو و آقای جلیلی می‌گفتند، آقای زنگنه سرافرازانه تیرنه شد. در آن جریان هم پای خود این جریان تندرو و آقای جلیلی در میان است و خسارت اصلی را اینها در کرسنت زدند. از این جریان افراطی، کشور تا به امروز خسارت‌های زیادی را دیده است و از بزرگوار ی و صبر و حوصله جریان مقابل است که در برابر حرف‌های آنها چیزی نمی‌گوید ولی در مقابل می‌بینیم که تندروها، در حالی که کشور در